



The relationship of moral intelligence with attitude toward infidelity in children of with and without experience of parents' infidelity

Received: 2017- 11- 12

Accepted: 2018- 07- 26

Samira Akbarpoor	Master of Family Counseling, shahid beheshti university
Mansoureh Sadat Sadeghi m_sadeghi@sbu.ac.ir	Ph.D., General Psychology, Associate Professor, Family Health, Family Research Center, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)
Taghi Pourebrahim	Assistant Professor, Dept. of Clinical & Health psychology, Shahid Beheshti University
Omid Shokri	Assistant, Dept of. Educational & Development Psychology, Shahid Beheshti University

Abstract

Parents' infidelity is stressful for children and children affected by their parents' infidelity at any age. Therefore, the aim of this study was investigate the correlation between moral intelligence and attitude towards infidelity in two groups of children with and without parental infidelity experience. The research method was correlation. The statistical population of the study consisted of all individuals over 18 years of age with and without experience of parents' infidelity in the four districts of Tehran in 2016-2017. The empowerment analysis method was used to select 212 people through available sampling method. Data were collected using a questionnaire of moral intelligence Lennik & Kiel 2005 and attitude toward infidelity Whitley 2006. For data analysis, independent t-test and z-Fisher used. The findings of the study showed that there is a significant difference between the attitude toward infidelity in two groups of children with and without parental infidelity experience ($p < 0.05$). In addition, the components of moral intelligence are two components of commitment to act ($p < .15$, $f = 2/07$) and principles based on values and beliefs ($p < 0/09$, $f = 2/94$) in children with and without parental infidelity had a significant relationship. Fisher's test results also showed that there was no significant difference between two groups in the two variables of moral intelligence and attitude toward infidelity in both groups. However, the findings of the research show that in addition to the main family of culture, age, gender and developmental differences, children can have an impact on moral intelligence and attitude towards infidelity.

Key words: *Moral intelligence, Attitude towards infidelity, parents infidelity*

citation

Akbarpoor, A., Sadeghi, M., Pourebrahim, T & Shokri, O. (2018). The relationship of moral intelligence with attitude toward infidelity in children of with and without experience of parents' infidelity. *Family Counseling and*

رابطه هوش اخلاقی با نگرش به بی‌وفایی در فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر

دریافت: ۱۳۹۶-۰۸-۲۱ پذیرش: ۱۳۹۷-۰۵-۰۴

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید بهشتی

سمیرا اکبرپور

دکتری روانشناسی عمومی، دانشیار، گروه بهداشت خانواده، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید

منصوره السادات صادقی

بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

m_sadeghi@sbu.ac.ir

استادیار گروه روانشناسی بالینی و سلامت، دانشگاه شهید بهشتی

تقی پور ابراهیم

استادیار گروه روانشناسی تربیتی و تحولی، دانشگاه شهید بهشتی

امید شکری

چکیده

بی‌وفایی زناشویی پدر و مادر برای فرزندان تنش‌زاست و فرزندان در هر سنی که باشند تحت تأثیر بی‌وفایی آن‌ها قرار می‌گیرند. از این رو پژوهش حاضر با هدف بررسی همبستگی هوش اخلاقی، با نگرش به بی‌وفایی در دو گروه از فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر انجام شده است. جامعه آماری پژوهش را، همه افراد بالای ۱۸ سال با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر مناطق چهارگانه شهر تهران در سال ۱۳۹۶ - ۱۳۹۵ تشکیل می‌دادند که با استفاده از روش تحلیل توان تعداد ۲۱۲ نفر از این افراد به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با به‌کارگیری پرسشنامه‌های هوش اخلاقی لنینیک و کیل ۲۰۰۵ و نگرش به بی‌وفایی ویتلی ۲۰۰۶ گردآوری شد. به منظور تحلیل داده‌ها از روش‌های t مستقل و Z فیشر استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد، میان نگرش به بی‌وفایی در دو گروه از فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($p < 0/05$). همچنین از میان ده مؤلفه هوش اخلاقی دو مؤلفه وفای به عهد ($2/07$) $f = 0/15$ ، $p < 0/05$ و عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها ($p < 0/09$ ، $f = 2/94$) در فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر همبستگی معنی‌داری وجود داشت. نتایج آزمون Z فیشر نیز نشان داد هنگامی که دو متغیر هوش اخلاقی و نگرش به بی‌وفایی در هر دو گروه مورد هم‌سنجی قرار گرفتند، تفاوت معنی‌داری میان دو گروه مشاهده نشد. اما یافته‌های پژوهش روشن‌تر این است که علاوه بر خانواده اصلی، فرهنگ، سن، جنسیت و تفاوت‌های رشدی بتواند بر دیدگاه فرزندان از هوش اخلاقی و نگرش بر بی‌وفایی تأثیر بگذارد.

واژگان کلیدی: هوش اخلاقی، نگرش به بی‌وفایی، بی‌وفایی پدر و مادر

مقدمه

خانواده مهم‌ترین نهادی است که روند رشد شخصی و اجتماعی افراد را تعیین می‌کند و در جهت فراهم نمودن محیط عاطفی لازم گام برمی‌دارد (Chen & Guo, 2016) و اولین کانونی است که در آن فرزندان فکر، احساس و رفتار را یاد می‌گیرند (Szapocznik, Schwartz & Hervis, 2003). از این رو حفظ آن امری حیاتی است (Howk, 2007; Enrique, Huit &

Mark, Janssen & Milhausen, 2011). بی‌وفایی زناشویی تأثیر و نفوذ زیادی بر نظام‌های اجتماعی می‌گذارد، ولی هیچ نظامی بیشتر از خانواده‌ی هسته‌ای از آن تأثیر نمی‌پذیرد (Neghash & Morgan, 2015). بی‌وفایی رابطه عاطفی و جنسی فرد، خارج از رابطه اولیه و بدون رضایت شریک دیگر (Schonian, 2013) و یا درگیر شدن در رابطه عاطفی و جنسی با یک شریک ثانویه است (Neghash & Morgan, 2015). هر دو نوع بی‌وفایی (عاطفی و جنسی)، منجر به انحلال رابطه می‌شود (Negash, Cui, Fincham & Pasley, 2013).

بی‌وفایی از مکررترین موضوعات ارائه‌شده در زوج‌درمانی (Schmidt, Green, Sibley & Prouty, 2015) و یکی از بیشترین علل تعارضات زناشویی و پس از آن طلاق است (Allen & Atkins, 2012, Steiner, Suarez, Sells & Wykes, 2011). اکثریت قابل توجهی از گزارش‌های زوجین در رابطه با بی‌وفایی است (Neghash & Morgan, 2015) و یکی از دشوارترین درمان‌های زوجی است (Moller & Vossler, 2014). بی‌وفایی محدود به ازدواج‌های جوامع غربی نیست (عبدالملکی و آزاده، ۱۳۹۳). به طوری که طبق سایت مرکز آمار ایران (۱۳۹۳)، بی‌وفایی در ایران هم در میان زنان و هم مردان چهارمین رتبه در علل طلاق را دارد. برآورد می‌شود میان ۱۱ تا ۲۱ درصد از افرادی که درگیر روابط فرازناشویی می‌شوند دارای فرزند هستند (Spence, 2012). پژوهش‌ها نشان می‌دهند، سابقه خانوادگی بی‌وفایی، فضا را برای بی‌وفایی افراد در آینده آماده می‌کند (Thorson, 2007). از این رو اثرات بی‌وفایی ممکن است ماه‌ها یا حتی سال‌ها در خانواده باقی مانده و بر اعتماد، انصاف و وفاداری هریک از اعضا نسبت به یکدیگر تأثیر گذاشته (Schmidt, 2013) و اثرات مخربی را بر زوجین و فرزندان آن‌ها می‌گذارد (کمال‌جو، نریمانی، عطا دوحخت و ابوالقاسمی، ۱۳۹۵؛ عیسی نژاد و باقری، ۱۳۹۵؛ شهابی نژاد، علیان و گلپایگانی، ۱۳۹۴). بدین جهت تعهد پایین زوجین به یکدیگر با آشفتگی رابطه آن‌ها مرتبط است (کریمیان، زارعی، محمدی و کریستنس، ۱۳۹۵). بر همین اساس عدم تعهد اخلاقی^۲ می‌تواند پیامدهای فاجعه باری برای فرد پیمان‌شکن، همسر و خانواده اصلی فرد داشته باشد (Omarzu, Miller, Schuhz & Timmerman, 2012). تعهد اخلاقی می‌تواند مسئولیت و وفاداری را در قبال همسر و خانواده موجب شود (خالقی‌دهنوی، یزدخواستی، ۱۳۹۲)؛ به عبارت دیگر آنچه باعث استحکام زندگی می‌شود اخلاق است (اصغری و جوبنه، ۱۳۹۳). از این رو (قرونی،

1. marital infidelity

2. ethical commitment

(۱۳۹۴)، دریافت هوش اخلاقی^۱ عامل مهمی برای ثبات و پایایی زندگی است. عدم توجه به هوش اخلاقی باعث شکل‌گیری روابط خارج از ازدواج می‌شود (کمال‌جو، نریمانی، عطادوخت و ابوالقاسمی، ۱۳۹۵؛ بلاغت، احمدی و گلرازی مقدم، ۱۳۹۴)؛ بنابراین هوش اخلاقی می‌تواند سطح اثر عوامل شخصی و خانوادگی را در روابط خارج از ازدواج و همچنین رفتارهای خارج از ازدواج کاهش دهد (دشت بزرگی و صفرزاده، ۱۳۹۵).

هوش اخلاقی یک شخص محصول عوامل بسیاری است که ابتدا خانواده، اعتقادات و فرهنگ در شکل‌گیری و پرورش آن نقش دارند (Guiab, Sario & Reyes, 2015) که شامل هفت فضیلت همدلی، وجدان، خویش‌داری، احترام، مهربانی، بردباری و انصاف^۲ است و به فرزندان کمک می‌کند تا از بحران‌های اخلاقی و فشارهایی که در طول زندگی خود، به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با آن‌ها مواجه خواهند شد، عبور کنند (Borba, 2005). به‌طور فزاینده آشکار شده است فرزندان که هوش اخلاقی‌شان به طریق صحیح پرورش داده نشده است در معرض آسیب‌های متعددی از جمله دارا بودن وجدان سطحی، ضعف در مهار کردن امیال و باورهای نادرست هدایت‌شده قرار دارند (کیا، ۱۳۹۰).

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند روابط منفی و مخرب پدرومادر تأثیر زیادی بر تعهد، ازدواج، روابط صمیمانه، انتظارات و رفتارهای فرزندان می‌گذارد (Bofill, Barrameda & Dadivas, Panganiban & Jose, 2016, Cui, Fincham & Durtschi, 2011, Thorson, 2007, Green, 2006, Koski, 2001, Pittman, 1989). از این‌رو پیمان‌شکنی پدرومادر برای فرزندان استرس‌زاست و فرزندان در هر سنی که باشند اغلب تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند (قهاری، ۱۳۹۴) و فرزندان عواقبی مانند تغییرات در روابط خانوادگی، استرس و انکار را تجربه می‌کنند و یا به دنبال انتقام هستند (Thorson, 2007). آن‌ها دید منفی بیشتری نسبت به دیگران پیدا می‌کنند به‌این‌علت که فکر می‌کنند دیگر افراد نیز نیت و قصد منفی در رابطه دارند و قابل‌اعتماد نیستند (Plate, 2008)، از این‌رو ممکن است نسبت به شرکای خود دست به بی‌وفایی بزنند (Miller, 2015). تأثیر بی‌وفایی پدرومادر اغلب در طول دوران کودکی و بزرگ‌سالی فرزندان ادامه دارد (Carder, 1995؛ Bofill, 2016) پژوهش‌ها نشان می‌دهند؛ آن‌ها در معرض تغییرات شناختی و عاطفی به‌عنوان مثال شرم، گناه، غم و اندوه (Pearman, 2010)، توهم، گیجی، ناامیدی، سردرگمی و سرخوردگی قرار دارند (Lusterman, 2005) که پس از آن تحت تأثیر رشد غیرطبیعی و طرح‌واره‌ی منفی جنسی قرار می‌گیرند (Pearman, 2010). به همین علت پژوهش‌ها، تعارض‌های میان شرکای زناشویی را اغلب با داشتن پدر و مادر ناسازگار مرتبط دانسته‌اند (Schmidt, Green & Prouty, 2015). پژوهش‌های دیگر نیز نشان می‌دهند میزان آسیب روحی فرزندان که با مسئله‌ی بی‌وفایی پدرومادرشان روبه‌رو بوده‌اند در مقایسه با فرزندان که با پدرومادر الکلی بزرگ می‌شوند، برابری می‌کند (Pittman, 1989). واکنش‌هایی که هر یک

1. moral intelligence

3. empathy, conscience, self_control, respect, kindness, tolerance, fairness

از این افراد از خود نشان می‌دهند از نظر سن، تفاوت‌های رشدی، جنسیت و فرهنگ متفاوت است (Lusterman, 2005) و تا حدودی به چگونگی زندگی نامناسب و مختل آن‌ها بستگی دارد (Carder, 1995). پژوهش‌ها نشان می‌دهد بی‌وفایی پدرومادر بر ادراک فرزندان از روابط اخلاقی با خانواده و شرکایشان اثرگذار است (Schmidt, 2013). همچنین (Haselmayer, 2015) دریافت فرزندان که از بی‌وفایی پدرومادر خود آگاه هستند مشکلات بیشتری در حوزه اخلاق و در رابطه با شریک زندگی‌شان از خود نشان می‌دهند. بر همین اساس بی‌وفایی پدرومادر بر ادراک فرزندان از اعتماد و وفاداری نسبت به شرکای خود در روابط تأثیر می‌گذارد (Schmidt, Green, Sibley & Prouty, 2015) و افرادی که اعتماد کمتری در روابط خود تجربه می‌کنند، احتمال بیشتری وجود دارد در گیر بی‌وفایی شوند (Cramer, Ryan, Johnson & Abraham, 2000).

بالین وجود بی‌وفایی در میان جمعیت پدرومادر و تأثیر آن بر فرزندان امری قابل توجه است (Levine, 2004, Duncombe & Marsden, 2005؛ Plate, 2008 و همکاران, 2009, Nogales).

با عنایت به آنچه گذشت و با توجه به اهمیت و تأثیر بی‌وفایی پدرومادر بر نگرش به بی‌وفایی فرزندان، احتمال قرار گرفتن فرزندان در معرض بی‌وفایی، اثربخش بودن هوش اخلاقی در زندگی افراد، نقش پراهمیت پدرومادر در شکل‌گیری هوش اخلاقی فرزندان، آمار رو به رشد بی‌وفایی در ایران (که چهارمین رتبه در علل طلاق را دارد). از طرفی دیگر پژوهش‌های زیادی در رابطه با تأثیر بی‌وفایی بر روابط زوجین انجام شده است ولی پژوهش‌های اندکی رابطه بی‌وفایی پدرومادر را بر روابط آینده‌ی فرزندان نشان داده است و اندک پژوهش‌های صورت گرفته مربوط به خارج از کشور است و از آنجایی که موضوع بی‌وفایی پدرومادر باید با توجه به ویژگی‌های فرهنگی جوامع مورد بررسی قرار گیرد؛ لذا انجام این پژوهش با توجه به آمارهای تکان‌دهنده بی‌وفایی و تأثیری که بی‌وفایی پدرومادر می‌تواند بر کارکرد خانواده داشته باشد ضروری به نظر می‌رسد و بی‌توجهی به آن منجر به شکل‌گیری آسیب‌های زیادی برای خانواده، فرزندان و در مقیاس وسیع‌تر جامعه می‌شود.

بنابراین پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آن‌هاست عبارت‌اند از:

- ۱_ آیا میان عضویت فرزندان، به یکی از دو گروه با و بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر با نگرش به بی‌وفایی فرزندان رابطه وجود دارد؟
- ۲_ آیا میان عضویت فرزندان، به یکی از دو گروه با و بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر با هوش اخلاقی فرزندان رابطه وجود دارد؟
- ۳_ آیا رابطه میان هوش اخلاقی فرزندان و نگرش به بی‌وفایی در دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر متفاوت است؟

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمام افراد بالای ۱۸ سال با و بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر شهر تهران تشکیل می‌دهند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. بر همین اساس با توجه به روش نمونه‌گیری پژوهش، گروه نمونه شامل افراد مراجعه‌کننده به مکان‌های عمومی نظیر پارک‌ها، کتابخانه‌ها، مراکز تجاری و تفریحی شهر تهران در سال ۱۳۹۶_۱۳۹۵ می‌باشند که تعداد ۲۱۲ نفر از این افراد انتخاب شدند و از میان این تعداد به روش تحلیل توان، ۱۰۶ نفر در گروه با تجربه بی‌وفایی پدرومادر و ۱۰۶ نفر دیگر در گروه بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر قرار گرفتند.

ملاک‌های ورود به پژوهش نیز عبارت بودند از: افراد موردپژوهش بالای ۱۸ سال سن داشته باشند، فرد موردنظر از معنای بی‌وفایی زناشویی پدرومادرش درک مستقیم و واضحی داشته باشد و بداند بی‌وفایی زناشویی شامل چه فعالیت‌ها و رفتارهایی می‌شود، افراد موردپژوهش بی‌وفایی و عدم بی‌وفایی پدرومادر خود را گزارش کرده باشند و فرزندان گروه با تجربه بی‌وفایی پدرومادر اطلاعات جمعیت شناختی پیرامون بی‌وفایی والد یا پدرومادر خود را به‌طور کامل تکمیل کرده باشند. ملاک خروج از پژوهش نیز کامل نبودن اطلاعات داده‌شده در پرسشنامه‌ها بود.

ابزارهای پژوهش

پرسش‌نامه هوش اخلاقی! متغیر هوش اخلاقی در این پژوهش، از طریق آزمون ۴۰ سؤالی مورد ارزیابی قرار گرفت، که آن را لینگ و کیل در سال ۲۰۰۵ تدوین کرده‌اند. پرسش‌نامه هوش اخلاقی، توانایی کاربرد اصول اخلاق جهانی در اخلاقیات، اهداف و مراوده‌های یک فرد را، از طریق ده مؤلفه می‌سنجد که آن‌ها شامل رفتار مستمر در جهت اصول، ارزش‌ها و باورها (سؤالات ۱، ۱۱، ۲۱، ۳۱)، راست‌گویی (سؤالات ۲، ۱۲، ۲۲، ۳۲)، ایستادگی برای حق (سؤالات ۳، ۱۳، ۲۳، ۳۳)، وفای به عهد (سؤالات ۴، ۱۴، ۲۴، ۳۴)، مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی (سؤالات ۵، ۱۵، ۲۵، ۳۵)، اقرار به اشتباهات و شکست‌ها (سؤالات ۶، ۱۶، ۲۶، ۳۶)، قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران (سؤالات ۷، ۱۷، ۲۷، ۳۷)، اهمیت دادن به دیگران (سؤالات ۸، ۱۸، ۲۸، ۳۸)، توانایی در بخشش اشتباهات خود (سؤالات ۹، ۱۹، ۲۹، ۳۹) و توانایی در بخشش اشتباهات دیگران (سؤالات ۱۰، ۲۰، ۳۰، ۴۰) است. دو نمونه از سؤال‌های پرسشنامه به‌صورت زیر است: (من می‌توانم به‌طور شفاف اصول، ارزش‌ها و باورهایم را که راهنمای اعمالم هستند، بیان کنم) و (من حقیقت را می‌گویم مگر اینکه دلایل اخلاقی مهمی مانع شود). طیف نمره‌گذاری این پرسشنامه، طیف لیکرت پنج‌درجه‌ای است: هرگز (نمره ۱)، به‌ندرت (نمره ۲)، بعضی اوقات (نمره ۳)، در بیشتر موارد (نمره ۴) و در همه مواقع (نمره ۵). روایی و پایایی پرسشنامه را (مارتین و آستین، ۲۰۱۰) تأیید کردند. این پرسشنامه را در ایران (آراسته و همکاران، ۱۳۹۰) هنجاریابی کردند. در ایران پایایی پرسشنامه با انجام آزمون باز آزمایی در یک نمونه ۱۶ نفره محاسبه گردید و آلفای کرونباخ ۰/۸۹ به دست آمد.

به تفکیک درستکاری ۰/۷۲، مسئولیت‌پذیری ۰/۹۱، بخشش ۰/۷۸ و همدلی ۰/۸۳ محاسبه گردید (بهرامی، اصمی، فاتح پناه، دهقانی و احمدی، ۱۳۹۱). افزون بر این روایی صوری، محتوایی و هماهنگی درونی مؤلفه‌های پرسشنامه نیز تأیید شده است. به‌طوری‌که (مختاری پور، سیادت و کاظمی، ۱۳۸۸)، بیشترین همبستگی درونی میان بخشش و دلسوزی با هوش اخلاقی ۰/۸۶ و کمترین همبستگی میان درستکاری با هوش اخلاقی ۰/۶۶ به دست آوردند و نتایج تحلیل عاملی آنان نیز روشن کرد که درستکاری بار عاملی ۰/۶۴، مسئولیت‌پذیری ۰/۸۱، دلسوزی ۰/۸۴، بخشش ۰/۸۳ دارد و در مجموع ۱۰ درصد اشتراک دارند که این عامل را می‌توان هوش اخلاقی نامید. همچنین آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۸۵۲ به‌دست آمده است.

پرسشنامه نگرش به بی‌وفایی^۱. این مقیاس توسط (ویتلی، ۲۰۰۶)، جهت بررسی نگرش به بی‌وفایی ساخته شده است. این گویه‌ها شامل (بی‌وفایی هرگز به کسی آسیب نمی‌رساند) و (در صورتی که می‌دانستم شریک زندگی‌ام از رابطه نامشروع مطلع نمی‌شود، چنین رابطه‌ای برقرار می‌کردم) می‌شوند. این مقیاس در ۱۲ گویه تنظیم شده است که در طیف ۷ درجه‌ای از به شدت موافقم (نمره ۷) تا به شدت مخالفم (نمره ۱) نمره‌گذاری می‌شود. یافته‌های پژوهش (ویتلی، ۲۰۰۶)، حاکی از اعتبار مطلوب این نگرش‌سنج است؛ به‌طوری‌که آلفای کرونباخ حاصل از ضریب همسانی درونی ۰/۸۰ سنجیده شده است. برای تعیین پایایی این مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی استفاده می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس نگرش به روابط فرازنشویی ۰/۷۱ برآورد شده است. ضریب بازآزمایی حاصل از اجرای این آزمون نیز ۰/۸۷ سنجیده شده است. جهت بررسی روایی این آزمون در ایران، از روایی ملاکی (نوع واگرا) استفاده شده است. به همین منظور، پرسشنامه جهت‌گیری آلپورت به کار گرفته شد. روایی واگرا با جهت‌گیری مذهبی درونی، ۰/۲۹ و با جهت‌گیری مذهبی بیرونی ۰/۱۶ به دست آمد (علی تبار و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین آلفای کرونباخ این پرسشنامه ۰/۷۵۶ به‌دست آمده است.

شیوه‌ی اجرای پژوهش

روش اجرای پژوهش به این صورت بود که با توجه به موضوع حساس پژوهش، قبل از اجرای پرسش‌نامه‌ها اطلاعاتی در اختیار آزمودنی‌ها درباره موضوع پژوهش قرار گرفت و به آزمودنی‌ها توضیح داده شد که پاسخ به سؤالات پرسشنامه محرمانه بوده و اطلاعات حاصل از آن، تنها در جهت کار پژوهشی استفاده خواهد شد.

شیوه مشخص شدن و تمایز گروه افراد بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر، از افراد دارای تجربه بی‌وفایی پدرومادر به این روش انجام شده است؛ آن‌ها ابتدا باید به سؤال: آیا پدرومادر شما تجربه بی‌وفایی به یکدیگر را داشته‌اند پاسخ می‌دادند که پاسخ به این سؤال شامل سه گزینه: بلی، خیر و نمی‌دانم بود. افراد موردپژوهش با توجه به شرایط حال حاضرشان یکی از این سه گزینه را انتخاب می‌کردند و نظر به اینکه انتخاب افراد بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر از افراد با تجربه بی‌وفایی پدرومادر بسیار راحت‌تر بود، مدتی پس از زمان پخش پرسشنامه، تعداد افراد بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر تکمیل شدند. محقق برای تکمیل شدن گروه دیگر ابتدا به‌صورت شفاهی از پاسخ‌دهندگان

درخواست می کرد که به سؤال تمایز کننده دو گروه پاسخ دهند و اگر آن‌ها از میان سه گزینه، پاسخ بلی را انتخاب می کردند ادامه پرسشنامه را تکمیل می کردند. کل فرایند جمع آوری پرسشنامه‌ها یک سال به طول انجامید، در نهایت هر دو گروه با توجه به شرایط حال حاضرشان از حیث اینکه آیا پدرومادرشان تجربه بی وفایی داشته‌اند یا خیر. سایر ویژگی‌های دیگر از جمله: جنس، سن، وضعیت تأهل و سطح تحصیلات متجانس شدند. برای آزمون سؤال‌ها نیز از آزمون t مستقل و Z فیشر استفاده شد و داده‌ها با نرم افزار SPSS 22 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

اخلاق پژوهش

در این پژوهش سعی شده است موازین اخلاق حرفه‌ای در نظر گرفته شده رعایت شود، بر همین اساس ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بودند: ۱- کلیه پاسخ‌دهنده‌ها به صورت کتبی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل در پژوهش مشارکت می نمودند. ۲- این اطمینان به آزمودنی‌ها داده شد که تمام اطلاعات محرمانه بوده و برای امور پژوهش مورد استفاده قرار خواهند گرفت. ۳- به منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت کنندگان ثبت نشد. ۴- برای اطمینان از روند کار، تمام پرسش‌نامه‌ها توسط خود پژوهشگر اجرا شد.

یافته‌ها

برای کوتاه کردن داده‌های مربوط به شناسه‌های جمعیت شناختی، از آماره درصد و فراوانی استفاده شده است. بر همین اساس ابتدا به بررسی داده‌های توصیفی جمعیت شناختی دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی وفایی پدرومادر پرداخته شده است. از این رو یافته‌ها نشان دادند، بیشترین فراوانی مربوط به جنسیت با ۱۱۱ نفر و ۵۲/۴ درصد شامل زنان است. همچنین یافته‌های وضعیت تأهل نشان داد، بیشترین فراوانی با ۱۹۱ نفر و ۹۰/۱ درصد مربوط به افراد مجرد بوده است. حداقل و حداکثر سن افراد ۱۸ و ۳۵ سال است، شرکت کنندگان کمتر از ۲۵ سال سن با ۷۲/۶ درصد و با تعداد ۱۵۴ نفر، بیشترین فراوانی مربوط به سن را داشتند. همچنین در میان افراد گروه نمونه ۰/۹ درصد از افراد با کمترین میزان سطح تحصیلات مربوط به مقطع ابتدایی و بیشترین میزان سطح تحصیلات با ۴۷/۶ درصد مربوط به مقطع کارشناسی است. در خصوص ترتیب تولد آزمودنی‌های گروه نمونه فرزندان اول و دوم به ترتیب با ۳۷/۷ و ۲۷/۸ درصد، بیشترین میزان فراوانی و فرزندان پنجم و ششم گروه مورد پژوهش به ترتیب با ۱/۴ و ۲/۴ درصد کمترین میزان فراوانی را در خصوص ترتیب تولد شامل می شوند.

بررسی داده‌های توصیفی جمعیت شناختی آزمودنی‌هایی که پدرومادرشان بی وفایی کرده بودند نیز نشان داد از میان ۱۰۶ نفر از آزمودنی‌های مورد پژوهش، ۲۶/۴ درصد از فرزندان پدرومادرشان پس از انجام بی وفایی توسط همسر خود جدا نشده‌اند و در زندگی باقی مانده بودند. همچنین طبق بررسی داده‌های گردآوری شده از فرزندان با تجربه بی وفایی پدرومادرشان داده شد که بیشترین فراوانی سن متوجه شدن فرزندان، از وقوع بی وفایی والد یا پدرومادر خود از سن ۱۰ تا ۲۰ سالگی بوده است. همچنین در این پژوهش بیشتر فرزندان با ۷۲/۶ درصد، پدرانشان بی وفایی کرده بودند و کمترین فراوانی شامل افرادی است که مادرانشان بی وفایی کرده بودند.

در این پژوهش برای بررسی آزمون، سؤال‌ها از آزمون تی مستقل (سؤال‌های اول و دوم) و Z فیشر (سؤال سوم) استفاده شده است.

نخستین سؤال پژوهش به بررسی رابطه نگرش به بی‌وفایی در فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر می‌پردازد.

جدول ۱. شاخص‌های آمار استنباطی مورد استفاده برای محاسبه‌ی آزمون t مستقل

نگرش به بی‌وفایی	F	آزمون لوین		آزمون t مستقل		خطا
		سطح معنی‌داری	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	
بی‌وفایی	۰/۱۲	۰/۷۳	۲/۴۴	۲۱۰	۰/۰۲	۳/۶۲
						۱/۴۹

بررسی نتایج آزمون تی مستقل در جدول (۱) میان نگرش به بی‌وفایی در دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر ($n=212$) نشان می‌دهد، از آنجایی که قدر مطلق (t) محاسبه شده برای نگرش به بی‌وفایی از ارزش بحرانی t (با درجه‌ی آزادی ۲۱۰ و سطح معنی‌داری $p < 0/05$) بزرگ‌تر است، فرض صفر تایید نمی‌شود. با عنایت به رد فرض صفر، می‌توان نتیجه گرفت: میان میانگین نگرش به بی‌وفایی در دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر در جامعه مورد پژوهش، تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

سؤال دوم پژوهش، به بررسی رابطه هوش اخلاقی در فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر می‌پردازد.

جدول ۲. شاخص‌های آمار استنباطی مورد استفاده برای محاسبه‌ی آزمون t مستقل

هوش اخلاقی	F	آزمون لوین		آزمون t مستقل		خطا
		سطح معنی‌داری	t	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	
عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها	۲/۹۴	۰/۰۹	-۱/۹۷	۲۱۰	۰/۰۴	۰/۳۶
راست‌گویی	۱/۸۸	۰/۱۷	-۱/۰۴	۲۱۰	۰/۳۰	۰/۳۳
استقامت و پافشاری برای حق	۰/۰۳	۰/۸۶	-۰/۵۹	۲۱۰	۰/۵۵	۰/۴۳
وفای به عهد	۲/۰۷	۰/۱۵	-۲/۲۰	۲۱۰	۰/۳۰	۰/۳۶
مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی	۱/۳۳	۰/۳۵	-۰/۳۳	۲۱۰	۰/۷۴	۰/۳۷
اقرار به اشتباهات و شکست‌ها	۱/۸۲	۰/۱۸	-۰/۳۷	۲۱۰	۰/۷۱	۰/۴۱
قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	۱/۳۳	۰/۲۵	۰/۰۴	۲۱۰	۰/۹۶	۰/۶۴
فعالانه علاقه‌مند بودن به دیگران	۸/۵۷	۰/۰۰	-۰/۲۵	۲۱۰	۰/۸۰	۰/۴۱
توانایی در بخشش اشتباهات خود	۱/۶۷	۰/۲۰	-۰/۹۶	۲۱۰	۰/۳۴	۰/۳۸
توانایی در بخشش اشتباهات دیگران	۰/۱۱	۰/۷۴	-۱/۳۷	۲۱۰	۰/۱۷	۰/۴۱
نمره کل هوش اخلاقی	۱/۲۲	۰/۲۷	-۱/۲۳	۲۱۰	۰/۲۲	۲/۲۴

نتایج آزمون تی مستقل در جدول (۲) میان مؤلفه‌های هوش اخلاقی در دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر ($n=212$) نشان می‌دهد: علی‌رغم تفاوت نمرات میانگین نمره‌های هوش اخلاقی در دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر به علت آنکه قدر مطلق (t) محاسبه شده است، برای تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی از ارزش بحرانی t (با درجه‌ی آزادی ۲۱۰ و سطح معنی‌داری $p > 0.05$) کوچک‌تر است، فرض صفر تائید می‌شود؛ به جز مؤلفه‌های وفای به عهد و عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها؛ به عبارت دیگر فرزندان متعلق به گروه پدرومادر با تجربه بی‌وفایی در وفای به عهد و عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها نمرات کمتری نسبت به فرزندان متعلق به گروه بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر به دست آورده‌اند.

قبل از تحلیل سؤال سوم پژوهش، ابتدا به بررسی ضریب همبستگی میان نگرش به بی‌وفایی با مؤلفه‌های هوش اخلاقی که در هر دو گروه به تفکیک مورد محاسبه قرار گرفته‌اند پرداخته شده و نتایج آن در جدول (۴ و ۳) قابل مشاهده است.

جدول ۳. همبستگی میان نگرش به بی‌وفایی با مؤلفه‌های هوش اخلاقی در فرزندان با تجربه بی‌وفایی پدرومادر

مؤلفه‌های هوش اخلاقی	کوواریانس	همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها	-۹/۳۲	-۰/۲۹	۸/۲	۰/۰۰۱
راست‌گویی	-۱۰/۲۸	-۰/۳۵	۱۲/۴	۰/۰۰۱
استقامت و پافشاری برای حق	-۱۳/۰۲	-۰/۳۶	۱۳/۰	۰/۰۰۱
وفای به عهد	-۱۰/۰۸	-۰/۳۱	۹/۹	۰/۰۰۱
مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی	-۵/۱۴	-۰/۱۶	۲/۵	۰/۱۰
اقرار به اشتباهات و شکست‌ها	-۹/۶۹	-۰/۲۶	۷/۰	۰/۰۱
قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	-۱۱/۲	-۰/۲۹۱	۸/۴۶	۰/۰۰۱
فعالانه علاقه‌مند بودن به دیگران	-۱۰/۶۶	-۰/۲۸	۷/۹	۰/۰۰۱
توانایی در بخشش اشتباهات خود	-۲/۵۳	-۰/۰۸	۰/۶	۰/۴۴
توانایی در بخشش اشتباهات دیگران	-۵/۵۲	-۰/۱۶	۲/۵	۰/۱۰
هوش اخلاقی	-۸۹/۶۶	-۰/۳۸	۱۴/۱	۰/۰۰۱

نتایج جدول (۳) در خصوص آزمودنی‌های گروه با تجربه بی‌وفایی پدرومادر ($n=106$) حاکی از آن است میان تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی با نگرش به بی‌وفایی (با درجه آزادی ۲۱۰ و سطح معنی‌داری $p < 0.01$) در جامعه مورد پژوهش، همبستگی معنی‌داری وجود دارد. به استثنای مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی، توانایی در بخشش اشتباهات خود و توانایی در بخشش اشتباهات دیگران که با نگرش به بی‌وفایی در جامعه مورد پژوهش همبستگی معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۴. همبستگی نگرش به بی‌وفایی با مؤلفه‌های هوش اخلاقی در فرزندان بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر

مؤلفه‌های هوش اخلاقی	کوواریانس	همبستگی پیرسون	ضریب تعیین	سطح معنی‌داری
عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها	-۹/۵۹	۰/۳۹	۱۴/۹	۰/۰۰۱
راست‌گویی	-۵/۳۴	۰/۲۴	۵/۸	۰/۰۱
استقامت و پافشاری برای حق	-۶/۴۹	-۰/۲۱	۴/۳	۰/۰۳
وفای به عهد	-۳/۲۶	-۰/۱۴	۱/۸	۰/۱۷
مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی	-۷/۲۶	-۰/۲۸	۷/۸	۰/۰۰۱
اقرار به اشتباهات و شکست‌ها	-۳/۹۸	-۰/۱۴	۲/۰	۰/۱۵
قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	-۲/۴۶	-۰/۰۸	۰/۶	۰/۴۴
فعالانه علاقه‌مند بودن به دیگران	-۴/۳۷	-۰/۱۷	۲/۸	۰/۰۹
توانایی در بخشش اشتباهات خود	-۴/۵۲	-۰/۱۷	۲/۸	۰/۰۹
توانایی در بخشش اشتباهات دیگران	-۲/۳۲	-۰/۰۸	۰/۶	۰/۴۳
هوش اخلاقی	-۴۹/۶۰	-۰/۲۶	۶/۶	۰/۱

نتایج آزمودنی‌های گروه بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر ($n=106$) در جدول (۴) نشان‌دهنده آن است که میان تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی با نگرش به بی‌وفایی (با درجه آزادی ۲۱۰ و سطح معنی‌داری $p < 0/01$) در جامعه مورد پژوهش همبستگی معنی‌داری وجود ندارد به‌استثنای مؤلفه‌های عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها، راست‌گویی، استقامت و پافشاری برای حق و مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی که با نگرش به بی‌وفایی در جامعه مورد پژوهش همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

سؤال سوم پژوهش به بررسی معنی‌دار بودن تفاوت ضریب همبستگی در دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر ($n=212$) پرداخته شده است و نتایج آن در جدول (۵) گزارش داده شده است.

جدول ۵. تفاوت ضریب همبستگی میان نگرش به بی‌وفایی با مؤلفه‌های هوش اخلاقی در دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی

مؤلفه‌های هوش اخلاقی	آزمودنی‌هایی که پدرومادر آن‌ها		Z معیار
	بی‌وفایی کرده‌اند	بی‌وفایی نکرده‌اند	
عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها	-۰/۲۹	-۰/۳۹	۱/۹۶
راست‌گویی	-۰/۳۵	-۰/۲۴	۱/۹۶
استقامت و پافشاری برای حق	-۰/۳۶	-۰/۲۱	۱/۹۶
وفای به عهد	-۰/۳۱	-۰/۱۴	۱/۹۶
مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی	-۰/۱۶	-۰/۲۸	۱/۹۶
اقرار به اشتباهات و شکست‌ها	-۰/۲۶	-۰/۱۴	۱/۹۶
قبول مسئولیت برای خدمت به دیگران	-۰/۲۱	-۰/۰۸	۱/۹۶
فعالانه علاقه‌مند بودن به دیگران	-۰/۲۸	-۰/۱۷	۱/۹۶
توانایی در بخشش اشتباهات خود	-۰/۰۸	-۰/۱۷	۱/۹۶
توانایی در بخشش اشتباهات دیگران	-۰/۱۶	-۰/۰۸	۱/۹۶
هوش اخلاقی	-۰/۳۸	-۰/۲۶	۱/۹۶

با توجه به نتایج مندرج در جدول (۵) به علت آنکه قدر مطلق Z محاسبه شده برای مقایسه ضرایب همبستگی در تمام متغیرهای موردبررسی از ارزش بحرانی آن (۱/۹۶) کوچک تر است، فرض صفر تأیید می شود. با عنایت به تأیید فرض صفر، می توان نتیجه گرفت که میان همبستگی نگرش به بی وفایی با مؤلفه های هوش اخلاقی در دو گروه (فرزندانی که پدرومادر آنها تجربه بی وفایی داشته اند و فرزندانی که پدرومادر آنها تجربه بی وفایی نداشته اند)، در جامعه مورد پژوهش تفاوت معنی داری وجود ندارد.

بحث

پژوهش حاضر با هدف تعیین همبستگی هوش اخلاقی با نگرش به بی وفایی در فرزندان با و بدون تجربه بی وفایی پدرومادر بوده است. نتایج نشان می دهد نگرش به بی وفایی در فرزندان با و بدون تجربه بی وفایی پدرومادر ناهمسان است. نتایج این پژوهش با پژوهش های Weiser (2015)؛ Negash & Morgan (2015)؛ Spence؛ Thorson (2015)؛ Weigle & Weiser (2012)؛ Rhoades (2012)؛ Nogales (2009)؛ Plate (2008)؛ Lusterman (2005)؛ Duncombe & Marsden (2004) همسو است. آنها در پژوهش خود دریافتند پیشینه خانوادگی بی وفایی افراد، فضا را برای بی وفایی آنها نسبت به شرکایشان هموار می کند و فرزندانی که از بی وفایی پدرومادر خود آگاه هستند نگرش مثبت تری را نسبت به بی وفایی دارند. در تبیین این یافته می توان گفت: نقض تعهد میان پدرومادر بر میزان سطح تعهد فرزندان و روابط عاشقانه آنها تأثیر می گذارد (Greene, 2006) و این فرزندان تصورات منفی تری نسبت به ازدواج پیدا می کنند (Cui, Fincham & Dorstchi, 2011؛ Boffill, 2016) و زمانی که وارد زندگی پس از ازدواج خود می شوند، تجربه بی وفایی پدرومادرشان در روابط عاشقانه شخصی شان، انتظارات و رفتارهایشان اثرگذار است (Pittman, 1989). بر همین اساس ادراک فرزندان از بی وفایی پدرومادر خود باعث بی اعتمادی نسبت به شرکایشان می شود و این فرزندان را در معرض خطر قرار داده (Haselmayer, 2015) و احتمال اینکه این فرزندان در روابط خود با شرکایشان درگیر بی وفایی شوند بیشتر می شود (Fish, Pavkov, Wetchler & Bercik, 2012)؛ بنابراین نگرش مثبت فرزندان گروه با تجربه بی وفایی پدرومادر نسبت به بی وفایی، با توجه به پیشینه نظری و پژوهشی منطقی به نظر می رسد.

برآمدهای پژوهش نیز نشان داد، از میان تمام مؤلفه های هوش اخلاقی دو مؤلفه آن: وفای به عهد و عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش ها و باورها در جامعه مورد پژوهش تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج این یافته در رابطه با دو مؤلفه مذکور با نتایج پژوهش (Haselmayer, 2015) همسو است، او نشان داد بی وفایی پدرومادر بر روابط اخلاقی فرزندان از جمله وفاداری و اعتماد آنها در رابطه با شرکایشان نسبت به فرزندان بدون تجربه بی وفایی پدرومادر اثرگذار است و بیان کرد وجود نداشتن جایگاه اخلاق و ارزش ها در میان پدرومادر، پیامدهای منفی و طولانی مدتی بر خانواده بر جای می گذارد. همچنین نتایج این پژوهش با پژوهش (Schmidt, 2013؛ Schmidt 2015)، در رابطه با مؤلفه های مذکور نیز همسو است. آنان همچنین

دریافتند، بی‌وفایی پدرومادر با رابطه‌ی اخلاقی فرزندان با شرکایشان اثرگذار است؛ از این رو روابط فرزندان با شرکایشان تحت تأثیر ادراک آن‌ها از اعتماد، وفاداری و انصاف در خانواده‌ی اصلی‌شان قرار دارد. (سیفی، حمیدی، شریفی و خلیلی، ۱۳۹۴)، نیز در پژوهش خود به رابطه معنی‌دار میان اخلاق، اصول و ارزش‌ها اشاره کرده‌اند. بر پایه این یافته و با توجه به پیشینه پژوهش می‌توان گفت: اغلب پدرومادها الگو و منشأ آثار اخلاقی در خانواده هستند (Borba 2005, Guiab, Sario, Virgilio & Reyes, 2015). بر همین اساس ارزش، باورها و عمل کردن مبتنی بر اصول فرزندان به پدرومادر نسبت داده شده (Sagan, 1997) و تا زمانی که پدرومادر ارزش‌های اخلاقی را به فرزندان خود منتقل نکنند و آن‌ها را نادیده بگیرند، ارزش‌ها در فرزندان درونی نمی‌شود (رادمنش، ۱۳۸۵). این فرزندان هم در روابط عاشقانه با شرکایشان و هم در روابط با دوستان و همکاران خود، نسبت به اصول و ارزش‌ها ناپایبند بوده، روابط را سطحی و گذرا در نظر گرفته و خود را نسبت به آن متعهد نمی‌دانند. در واقع اصول، ارزش‌ها و باورها در خانواده به مثابه سنگ بنا و ستون‌های استوار خانواده هستند که دستورها، قانون‌ها، مرزها و جهت‌گیری‌های فکری افراد را نشان می‌دهد. بدین جهت است که پژوهش‌های مختلف رابطه‌ی اخلاقی را نوعی دهنده‌گی و گیرنده‌گی می‌دانند که خود ضامن اعتماد است، هم در روابط عمودی مانند رابطه‌ی پدرومادر و فرزندان و هم در رابطه‌ی افقی مانند رابطه شرکایی که روابط عاشقانه بینشان حکم فرماست (Hargrave, Jennings & Anderson, 1991). بر همین اساس و طبق مطالب بیان‌شده بی‌وفایی پدرومادر علاوه بر اینکه باعث کاهش سطح اخلاق و همچنین کاهش اعتماد میان اعضای خانواده می‌شود، ممکن است صحنه را برای مشکلات ارتباطی میان فرزند و افراد خارج از خانواده‌ی اصلی وی آماده کند (Schmidt, 2015) و همکاران. از این رو پژوهش‌های مختلف، سطح وفاداری در رابطه با داشتن پدرومادر دارای تجربه بی‌وفایی معنی‌دار دانسته‌اند (Haselmayer, 2015; Schmidt, 2015).

علاوه بر مطالب ذکر شده برآمدهای پژوهش نشان داد، با توجه به نتایج ضریب همبستگی محاسبه شده به تفکیک در هر گروه، میان تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی در گروه فرزندان با تجربه بی‌وفایی پدرومادر، با نگرش به بی‌وفایی در جامعه مورد پژوهش همبستگی معنی‌داری وجود دارد به استثنای مؤلفه‌های مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی، توانایی در بخشش اشتباهات خود و توانایی در بخشش اشتباهات دیگران که در جامعه مورد پژوهش همبستگی معنی‌داری وجود ندارد. این در حالی است که ضریب همبستگی میان تمام مؤلفه‌های هوش اخلاقی در گروه فرزندان بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر با نگرش به بی‌وفایی آنان در جامعه مورد پژوهش، همبستگی معنی‌داری وجود ندارد؛ به استثنای مؤلفه‌های عمل کردن مبتنی بر اصول، ارزش‌ها و باورها، راست‌گویی، استقامت و پافشاری برای حق و مسئولیت‌پذیری برای تصمیمات شخصی، که با نگرش به بی‌وفایی در جامعه مورد پژوهش همبستگی معنی‌داری وجود دارد.

در نهایت نتایج همبستگی آزمون Z فیشر در مقایسه ضرایب همبستگی در تمام متغیرهای مورد بررسی، برخلاف نتایج ضریب همبستگی به تفکیک در هر گروه نشان داد: میان همبستگی نگرش به بی‌وفایی با مؤلفه‌های هوش اخلاقی در دو گروه (فرزندانی که پدرومادر آنها بی‌وفایی کرده‌اند و فرزندانی که پدرومادر آنها بی‌وفایی نکرده‌اند) تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ بنابراین نتایج این پژوهش با پژوهش‌های (Schmidt, 2015؛ Haselmayer, 2015) که نشان دادند بی‌وفایی پدرومادر بر سطح اخلاق فرزندان در روابط با شرکایشان و نگرش به بی‌وفایی فرزندان هم در روابط فعلی و هم در آینده تأثیر می‌گذارد ناهمسو ولی با پژوهش (Greene, 2006) همسو است، وی دریافت بی‌وفایی پدرومادر در دو گروه فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی بر سطح تعهد اخلاقی و نگرش بر به بی‌وفایی فرزندان تأثیر نمی‌گذارد.

بر پایه معنی‌دار نشدن این یافته می‌توان گفت: طبق پیشینه نظری و پژوهشی، بی‌وفایی فرزندان با تجربه بی‌وفایی پدرومادر، متأثر از عوامل زیادی است از جمله: وقوع بی‌وفایی از طرف کدام والد یا پدرومادر صورت گرفته باشد، جنسیت فرزندان، سن متوجه شدن فرزندان در رابطه با وقوع بی‌وفایی والد یا پدرومادر خود، طول مدت بی‌وفایی والد یا پدرومادر، نوع بی‌وفایی والد یا پدرومادر و نیز تعداد دفعات بی‌وفایی والد یا پدرومادر است (Greene, 2006). همچنین (Lusterman, 2005) دریافت، فرهنگ و تفاوت‌های رشدی دو عامل مهم دیگر در نگرش فرزندان به سمت رفتارهای بی‌وفایی آنان است. در راستای نظر (Lusterman, 2005) و در رابطه با فرهنگ جوامع، می‌توان گفت نتایج پژوهش‌های خارج از کشور نشان‌دهنده این است که بی‌وفایی پدر باعث احتمال افزایش بی‌وفایی فرزندان (دختر و پسر) می‌شود ولی میان بی‌وفایی مادر و بی‌وفایی فرزندان (دختر و پسر) رابطه معنی‌داری وجود ندارد (Schmidt, 2015؛ Schmidt, 2013؛ Greene, 2006) و این در حالی است که در ایران (قهراری، ۱۳۹۴)، گزارش کرده است فرزندان دختر و پسر و مخصوصاً پسرها در برابر بی‌وفایی پدرومادر خود از جمله بی‌وفایی مادر واکنش‌های شدیدی را از خود نشان می‌دهند که در روابط و رفتارهای آنها اثرگذار است. در پژوهش حاضر تعداد کسانی که پدران آنها بی‌وفایی کرده بودند بیشتر از کسانی بود که مادران آنها بی‌وفایی کرده بودند. همچنین طبق پژوهش (Bofill, 2016)، تجربیات اولیه دوران کودکی و به‌طور کل تجارب زندگی افراد در شکل‌گیری رفتارهای بی‌وفایی آنان مؤثر است. به نظر این پژوهشگران هر آنچه محتوای تجربیات خوشایند باشد زمانی که بی‌وفایی یکی یا هر دو والد رخ داد نگرش آنان به سمت رفتارهای بی‌وفایی آمیز کمتر می‌شود. نکته دیگر در پژوهش این افراد آن بود که، زمانی که افراد در کودکی متوجه بی‌وفایی پدرومادر خود شوند به احتمال زیادی در آینده بی‌وفایی می‌کنند که در راستای نظر (Bofill, 2016) می‌توان گفت: در بخشی از پژوهش (واحدی، ۱۳۹۲) که به بررسی ارتباط محیط‌های خانوادگی و ارتباط آن با بی‌وفایی در بزرگسالی پرداخته بود؛ به این نتایج دست‌یافت که تأثیر پدرومادر بر فرزندان در دوران کودکی بیشتر است و یک دوره حساس وجود دارد که طی آن کودکان بسیاری از رفتارهای بزرگسالی خود را کسب می‌کنند؛ بر همین

اساس اثرات خانواده و روابط بر کودکان و دوام این تأثیرات تا نوجوانی و بزرگسالی با فرزندان همراه است. در پژوهش حاضر اکثر آزمودنی‌ها میان سنین ۱۰ تا ۲۰ سالگی متوجه بی‌وفایی پدرومادر خود شده بودند و فقط تعداد اندکی در کودکی متوجه بی‌وفایی والد یا پدرومادر خود شده بودند که این خود می‌تواند در نگرش آزمودنی‌های پژوهش به بی‌وفایی اثرگذار باشد. در نهایت علی‌رغم تلاش پژوهشگر در حد جستجوهای که برای انجام این پژوهش در ایران انجام گرفت، پژوهشی که رابطه هوش اخلاقی و نگرش به بی‌وفایی در فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر را بسنجد یافت نشد و به‌نوعی پژوهشگر با کمبود پیشینه در رابطه با این موضوع مواجه بود و امکان تبیین بیشتر از این موارد میسر نمی‌شد.

محدودیت‌ها و پیشنهادها. از محدودیت‌های این پژوهش به دست نیوردن نمونه‌های متأهل از فرزندان با تجربه بی‌وفایی پدرومادر و معطوف شدن نمونه پژوهش به تهران است؛ از این رو قدرت تعمیم دهی نتایج را با دشواری مواجه می‌سازد. لذا پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی برای افزایش قدرت تعمیم دهی نتایج، این پژوهش بر روی فرزندان متأهل با تجربه بی‌وفایی پدرومادر با حجمی گسترده‌تر تکرار شود و پژوهش‌های مشابهی در شهرستان‌ها و فرهنگ‌های دیگر به‌وسیله پرسشنامه‌های مشابه صورت گیرد و نتایج مورد مقایسه قرار گیرند. از محدودیت‌های دیگر این پژوهش ابزار مورد استفاده برای تفکیک و تمایز گروه‌های مورد پژوهش است؛ که با استفاده از یک سؤال صورت گرفته بود که صحت نتایج را با دشواری مواجه می‌سازد. از این رو پیشنهاد می‌گردد، در پژوهش‌های بعدی ابزار دقیق‌تری برای تمایز و تفکیک فرزندان با تجربه بی‌وفایی پدرومادر از فرزندان بدون تجربه بی‌وفایی پدرومادر ساخته شود. همچنین در این پژوهش امکان در نظر گرفتن تأثیرات عواملی مانند: نوع بی‌وفایی والد یا پدرومادر، طول مدت بی‌وفایی و تعداد دفعات بی‌وفایی والد یا پدرومادر آن‌هم به علت در دست نداشتن پاره‌ای از اطلاعات از سوی فرزندان میسر نبود لذا امکان تبیین نتایج پژوهش را با دشواری مواجه ساخت. لیکن پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی عواملی مانند نوع بی‌وفایی والد یا پدرومادر، طول مدت بی‌وفایی و تعداد دفعات بی‌وفایی والد یا پدرومادر مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند. در نهایت با توجه به اینکه یافته‌های این پژوهش در حوزه بی‌وفایی زناشویی و آسیب‌های آن بر فرزندان است، می‌تواند در مداخلات بالینی کاربرد فراوانی داشته باشد؛ تا روان‌درمانگران و کارشناسان خانواده بتوانند نتایج این پژوهش را در اختیار پدرومادر و عموم مردم قرار دهند که بی‌وفایی پدرومادر می‌تواند چه تأثیری بر فرزندان داشته باشد. این امر می‌تواند منجر به کاهش آسیب ناشی از بی‌وفایی پدرومادر بر فرزندان شود. همچنین برگزاری سمینارها و همایش‌ها و تولید و پخش برنامه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی مبتنی بر موضوع پژوهش توسط متخصصین حوزه خانواده نیز می‌تواند گامی مهم در روند آگاهی پدرومادر و عموم مردم در رابطه با بی‌وفایی پدرومادر و اثرات آن بر

فرزندان بگذارد. در نهایت امید است که نتایج این پژوهش در افزایش هر چه بیشتر سلامت روان خانواده، جامعه و به ویژه فرزندان گام بردارد.

تصریح درباره تضاد منافع. نویسندگان پژوهش حاضر تحت عنوان: رابطه هوش اخلاقی با نگرش به بی‌وفایی در فرزندان با و بدون تجربه بی‌وفایی پدر و مادر اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافع در نگارش این مقاله وجود ندارد.

سپاسگزاری. این مقاله حاصل بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مشاوره خانواده تحت عنوان: رابطه هوش اخلاقی با نگرش به بی‌وفایی در فرزندان با و بدون تجربه خیانت والدین است. بدین وسیله نگارندگان پژوهش حاضر از همه کسانی که در انجام این مقاله آنان را یاری رساندند و همچنین شرکت کنندگان در پژوهش کمال سپاسگزاری را می‌نمایند.

منابع

- اصغری، فرهاد و جوینه، رضا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین هوش اخلاقی و گرایش‌های مذهبی با رضایت زناشویی در مردان متأهل، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۴(۱): ۸۴-۶۶.
- خالقی‌دهنوی، فرزانه و یزدخواستی، فریبا. (۱۳۹۳). پیش‌بینی کنندگی سبک زندگی بر اساس نگرش مذهبی و تعهد اخلاقی در افراد تجربه‌ی طلاق و افراد بدون تجربه‌ی طلاق، روانشناسی دین، ۷(۲): ۱۱۰-۹۹.
- دشت بزرگی، زهرا و صفرزاده، سحر. (۱۳۹۵). عامل‌های مؤثر در گرایش زنان به روابط خارج از ازدواج: نقش هوش اخلاقی به‌عنوان یک متغیر میانجی، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۵، ۷۲۰-۷۱۱.
- رادمنش، نازنین: (۱۳۸۵)، پنج اصل اخلاقی ویژه مدیران، گرفته‌شده از سایت: <http://www.oldcivil.ce.metu.edu.tr>
- سازمان ثبت احوال ایران. (۱۳۹۳). آمار ازدواج و طلاق در ۶ ماهه نخست ۱۳۹۳.
- <https://www.Sabteahval.Ir/Default.aspx?tabid=4773>
- سیفی، جواد؛ حمیدی، امید؛ شریفی، گشاو و خلیلی، شیوا. (۱۳۹۴). رابطه بین اخلاق و ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین زوجین، مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۵(۱۶): ۱۳۹-۱۱۶.
- شهابی نژاد، زهرا، علییان، بهار و هاشمی گلپایگانی، فاطمه. (۱۳۹۵). اثربخشی مشاوره گروهی بر بهبود خیانت زناشویی مادران دانش‌آموزان شهر تهران، مجله علوم طبیعی و اجتماعی، ۵(۲): ۳۱۶-۳۰۹.
- عبدالملکی، مریم و آزاده، منصوره. (۱۳۹۳). بررسی کیفی روابط فرازناشویی، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، ۲۴، ۱۲۷-۱۱۶.
- علی‌تبار، هادی؛ قبری، سعید؛ زاده‌محمدی، علی و حبیبی، مجتبی. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین روابط جنسی پیش از ازدواج با نگرش به روابط فرازناشویی، مجله خانواده‌پژوهی، ۱۰(۳۸): ۲۶۷-۲۵۵.

- عیسی نژاد، امید و باقری، آرزو. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی روش‌های توجیه خیانت: سازوکارهایی رویارویی با ناهماهنگی شناختی در روابط فرازناشویی، *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶(۲): ۲۰۷-۱۸۹
- قزوینی، مریم؛ کولایی، آناهیتا؛ منصور، لادن و خوش کنش، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). مقایسه رضایت زناشویی و هوش اخلاقی و رابطه آن با عدم تعهد اخلاقی در مردان، *مجله پژوهش در دین و سلامت*، ۱(۴): ۴-۱۱.
- قهراری، شهربانو. (۱۳۹۴). پیمان‌شکنی در زناشویی راهکارهایی برای مداخله، تهران، دانه.
- کریمیان، نادر؛ زارعی، اقبال؛ محمدی، کوروش و کریستنسن، اندرو. (۱۳۹۵). درمان‌های تلفیقی، جنسیت و زوج‌درمانی: بررسی و هم‌سنجی اثربخشی زوج‌درمانی رفتاری التقاطی و درمان تصمیم‌گیری مجدد در بهبود تعهد زناشویی همسران متعارض، *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶(۲): ۳۸-۲۱.
- کمال‌جو، علی؛ نریمانی، محمد؛ عطا دوخت، اکبر و ابوالقاسمی، عباس. (۱۳۹۵). پیش‌بینی روابط فرازناشویی براساس هوش معنوی، هوش اخلاقی، رضایت زناشویی استفاده از شبکه‌های مجازی اجتماعی با نقش تعدیل‌کنندگی جنسیت، *مجله مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۶(۲): ۶۷-۳۹.
- کیا، کمال. (۱۳۹۰). قصه و داستان در کتاب‌های درسی آلمان، *پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان*، شماره ۴۲.
- گلزاری، نجمه و بلاغت، رضا. (۱۳۹۴). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و هوش اخلاقی و تعهد زناشویی در بین دانشجویان متأهل دانشگاه سیستان و بلوچستان، *مجله علوم طبیعی و اجتماعی*، ۴(۱): ۱۷۰۴-۱۶۹۲.
- مختاری پور، مرضیه و سیادت، علی. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای ابعاد هوش اخلاقی از دیدگاه دانشمندان با قرآن کریم و ائمه معصومین (ع)، *فصلنامه علمی-تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۳(۴): ۹۷-۱۱۸.
- واحدی، گلناز. (۱۳۹۲). بررسی پتانسیل خیانت زناشویی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، پایان‌نامه مقطع ارشد، جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

References

- Allen, E. S., & Atkins, D. C. (2012). The Association of divorce and Extramarital sex in a Representative U.S. sample. *Journal of Family Issues*, 33: 1477-1493.
- Bofill, F., A., Barrameda, M., M., Dadivas, M., S., Panganiban, E., R., & Jose, A., G. (2016). Living within a Broken Vow: The Impact of Parental Infidelity among Late Adolescents in Establishing Romantic Relationships. *Universal Journal of Psychology*, 4(5): 228-235.
- Borba, M. (2005). The step plan to building moral intelligence, Nurturing kids heart and souls, *National Educationaward, National Council of self-esteem, jossey bass*.
- Carder, D., M. (1995). *Torn asunder: Recovering from extramarital affairs (Rev. ed.)*. Chicago: Moody.
- Cramer, R. E., Manning-Ryan, B., Johnson, L. M., & Abraham, W. T. (2000). Gender differences in subjective distress to emotional and sexual infidelity: Evolutionary or logical inference explanation?, *Current Psychology*, 20, 327-336.

- Cui, M., Fincham, F. D., & Durtschi, J. A. (2011). The effect of parental divorce on young adults' romantic relationship dissolution: What makes a difference?, *Personal Relationships*, 18 (3), 410-426.
- Duncombe, J., & Marsden, D. (2004). *Affairs and children*. In J. Duncombe, K. Harrison, G. Allan, & D. Marsden (Eds.), *The state of affairs: Explorations in infidelity and commitment*, 187-201. Mahway, NJ: Lawrence Erlbaum Associates Inc.
- Enrique, J., Howk, H., & Huitt, W. (2007). *An overview of family development*. Education Psychology Interactive. Valdosta, GA: Valdosta State University.
- Fish, J. N., Pavkov, T. W., Wetchler, J. L., & Bercik, J. (2012). Characteristics of those who participate in infidelity: The role of adult attachment and differentiation in extradyadic experiences. *American Journal of Family Therapy*, 40, 214-229.
- Greene, K. H. (2006). *Awareness of Parental Infidelity on College Student's Reported Commitment in Romantic Relationships*, The Florida State University College of Human Sciences Marriage and Family Therapy program.
- Guiab, M. R., Sario, M. L. P., & Reyes, Virgilio F. Jr. (2015). Self- perceived moral intelligence of faculty and student: Its implication to teacher education. *Researchers World*, 6 (2), 106-119.
- Guo, Y., & Chen, X. (2016). Relationship among satisfaction with Life, Family Care Degree, Psychological Dependency and Subjective Bias of Senior High School Student. *Psychology*, 7, 418_425.
- Hargrave, T. D., Jennings, G., & Anderson, W. (1991). The development of a relational ethics scale. *Journal of Marital and Family Therapy*, 17 (2), 145- 158.
- Haselmayer, C. (2015). *Relational Ethics in Partner Relationship in Adult Children and Reported Parental infidelity*, United states, Nework.
- Koski, M. A. (2001). *Adult children of parental infidelity and their perspectives and Marriage*, the graduate school university of Wisconsin-stout.
- Lennik, D., & Keil, F. (2005). *Moral intelligence: The key to enhancing business performance & Leadership success*, Warton school publishing, An imprint of person Education.
- Levine, S. (2005). A clinical perspective on infidelity. *Sexual & Relation- ship Therapy*, 20, 143-153.
- Lusterman, D. (2005). Helping children and adults cope with parental infidelity. *Journal of Clinical Psychology*, 61, 1439-1451.

- Mark, K. P., Janssen, E., & Milhausen, R.R. (2011). Infidelity in heterosexual couples: demographic, interpersonal, and personality-related predictors of extra dyadic sex. *Arch Sex Behavior*, 40(5): 971-82.
- Miller, D. L. (2015). Seeking The Hiding: Working through Parental Infidelity, William Alanson White Institute, 119 W. 57th St, Suite 516, New York, NY 10019, USA.
- Moller, N. P., & Vossler, A. (2014). Defining Infidelity in research and couple counseling: A qualitative study. *Journal of Sex and Marital Therapy*.
- Negash, S. & Morgan, M.L. (2015). A Family Affair: Examining the Impact of Parental Infidelity on Children Using a Structural Family Therapy Frame work, 38: 198-209.
- Negash, S., Cui, M., Fincham, F. D., & Pasley, K. (2013). Extradyadic involvement and relationship dissolution in heterosexual women university students. *Archives of Sexual Behavior*, 43, 531-53.
- Nogales, A. (2009). *Parents who cheat. How children and adults are affected when their parents are unfaithful. Florida: Health Communication.*
- Omarzu, J., Miller, A. N., Schuhz, C., & Timmerman, A. (2012). Motivations and Emotional Consequences Related to Engaging in Extramarital Relationships. *Int J Sex Health*, 24 (2): 154- 162.
- Pearman, M. M. (2010). The effect of parental infidelity on an adult child's sexual attitudes. (Unpublished thesis). Purdue University, Indiana.
- Pittman, F. S. (1989). *Private lies: Infidelity and the betrayal of intimacy*, New York, NY: W. W. Norton & Co., Inc.
- Platt, R. A. L., Nalbone, D. P., Casanova, G. M., & Wetchler, J. L. (2008). Parental conflict and infidelity as predictors of adult children's attachment style and infidelity. *American Journal of Family Therapy*, 36, 149-161.
- Rhoades, G., Stanley, S., Markman, H., & Ragan, E. (2012). Parents' marital status, conflict, and role modeling: Links with adult romantic relationship quality. *Journal of Divorce & Remarriage*, 53 (5), 348-367.
- Sagan, C. (1997). *The demon-haunted world: Science as a candle in the dark*, New York, NY: Ballantine Books.
- Schmidt, A. E., Mary S. Green, D., & Prouty, M. A. (2015). Effects of parental infidelity and inter-parental conflict on relational ethics between adult children and parents: a contextual perspective. *Journal of Family Therapy*, 1_23.

- Schmidt, A. E., Mary S. Green, D. Sibley, S., & Anne M. Prouty. (2015). Effects of Parental Infidelity on Adult Children's Relational Ethics with Their Partners: A Contextual Perspective. *Journal of Couple & Relationship Therapy*.
- Schmidt, B. A. (2013). The Effects of Infidelity and Interparental Conflict on Predominantly Female Adult Children A Contextual Perspective, Texas Woman's University.
- Schonian, S. (2013). *Perceptions and Definition of Infidelity: A Multimethod Study*, UNLV Theses, Dissertations, Professional Papers, Capstones, Paper 2026.
- Spence, A. M. (2012). *Adult children's accounts of Parental Infidelity and Divorce: Associations with own infidelity, Risky Behaviors, and Attachment*, Unpublished doctoral dissertation, University of Colorado.
- Steiner, L. M., Suarez, E. C., Sells, J. N., & Wykes, S. D. (2011). Effects of age, initiator status, and infidelity on women's divorce adjustment. *Journal of Divorce and Remarriage*, 52 (1), 33-47.
- Szapocznik, J., Hervis, O. & Schwartz, S. (2003). *Brief strategic family therapy for adolescent drug abuse* (NIH Publication 03- 4751). Bethesda, MD: U.S. Department of Health and Human Services, National Institute for Drug Abuse.
- Thorson, A. R. (2007). *Privacy management beyond the dyad: Children's discovery and consequences experienced upon learning of infidelity in their non-divorced parents' relationship*. Paper presented at the annual meeting of the Central States Communication Association, Minneapolis, MN.
- Thorson, A. R. (2015) Feeling Caught: Adult Children's Experiences with Parental Infidelity, *Qualitative Research Reports in Communication*, 15: 1, 75-83.
- Weiser, D. A., & Weigle, D. J. (2012). *Exploring an Intergenerational Transmission of Infidelity*, University of Nevada, Reno.
- Weiser, D., Weigel, D. J., Lalasz, C. B., & Evans, W.P. (2015). Family Background and propensity to Engage in infidelity. *Journal of Family Issues*, 1-19.

References in Persian

- Abdul Maleki, M., & Azadeh, M. (2014). Qualitative Study of Crossover Relationships. *Journal of Strategic Studies in Sports and Youth*, 24: 116-121.
- Alitabar, H., Ghanbari, S., Zadeh Mohamadi, A., & Habibi, M. (2014). The Relationship Between Premarital Sex and Attitudes Toward Infidelity. *Journal of Family Research*, 10(38): 255_ 267.

- Asghari, F., & Jubneh, R. (2014). Investigating the Relationship between Moral Intelligence and Religious Attitudes with Satisfaction in Married Men, *Quarterly Journal of Family Psychology and Consulting*, 4 (1): 84_66.
- Dashtbozorgi, Z., & Safarzadeh, S. (2016). Effective factors in women's tendency toward extramarital relationships: the role of moral intelligence as a mediating factor. *International Journal of humanities and cultural studies*, 2356-5926.
- Ghahari, sh. (2015). *Infidelity in marriage the strategies for intervention*, Tehran, danjeh
- Ghazvini, M., Khodabakhshi koolae, A., Mansoor, L., Khosh konesh, A. (2015). The Comparison of marital satisfaction and Moral intelligence and its relationship with immoral commitment in men. *Journal of Reaserch on Religion & Health*, Vol (1), No (4), 4- 11.
- Golzari Moghadam, N & Balaghat, B. (2015). The Investigation of the Relationship between religious Orientation and Moral Intelligence and Marital Commitment of Married Students in University of Sistan and Baluchestan Province. *Journal of Natural and Social Sciences*, Vol (4), N (1).
- Iranian Civil Registration Organization. (2014). Marriage and divorce statistics in the first 6 months of 2014.
- Isanijad, O., & Bagheri, A. (2017). Phenomenology of strategies of justifying infidelity: Mechanisms to cope with cognitive dissonance of marital infidelity. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*. Vol 6, N (2), 189-207.
- Kamalju, A., Narimani, M., Atadokht, A., & Abolghasemi, A. (2017). The prediction of affairs based on spiritual intelligence, moral intelligence, marital satisfaction, and use of virtual social networks with moderating role of gender. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, Vol (6), N (2), 39_ 67.
- Karimian, N, Zarei, E, Mohammadi, K, & Christensen, A. (2017). Integrative treatments, Sex and Couple Therapy: study and comparison of the effectiveness of integrative behavioral couple therapy and redecision therapy in improvement of marital commitment of competing couples. *Journal of Family Counseling & Psychotherapy*, Vol. 6, N. 2 (22), 21-38.
- Khaleghi dehnavi, F., & Yazdkhasti, F. (2014). Lifestyle prediction based on religious attitude and moral commitment in divorce experiences and individuals without divorce experience. *Religion psychology*, N (2), 110_99.
- Kiakamal, B. (2011). Stories and Stories in German Textbooks. *Children's and Youth Literature Research*, No (42).

- Mokhtaripour, M & Siyadat, A. (2006). Comparative Study of the Dimensions of Moral Intelligence from the Viewpoints of the Scientists by the Holy Quran and Imams' Imams, *Scientific Journal of Islamic Studies and Psychology*, 3 (4): 118-97.
- Radmanesh, N: (2006), Five Special Ethical Principles for Managers, taken from the site: <http://www.oldcivil.ce.metu.edu.tr>.
- Saifi, J., Hamidi, A., Sharifi, G., & Khalili, Sh. (2015). Relationship Between Ethics and Personal Values and Marital Satisfaction among Couples. *Quarterly Journal of Family Counseling and Psychotherapy*, Vol (5), N (16).
- Shahabi Nezhad, Z., Alian, B., & Hashemi Golpayegani, F. (2016). Effectiveness of group counselling on improvement of marital relationship in infidelity-affected mothers of students in Tehran city. *Journal of Natural and Social Sciences*, Vol (5), No (2), 309-316.
- Vahedi, golnaz. (2012). *Study of Marital Infidelity Potential and Its Social Factors Affecting it*, Senior Lecturer, Sociology, Shahid Beheshti University, Tehran.

